

### نقش شیطان در انحراف قوم یهود

سید محمدرضا حسینی<sup>۱</sup>، مرضیه فیاض<sup>۲</sup>

۱. گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۱۹۳۹۵-۳۶۹۵، تهران، ایران

۲. مربی، الهیات، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۱۹۳۹۵-۳۶۹۵، تهران، ایران

#### چکیده

قوم یهود (بنی اسرائیل)، قومی بود که بسیار مورد عنایت خداوند متعال قرار گرفت و نسبت به اقوام دیگر برتری یافت و نعمت‌های فراوانی از طرف خداوند به این قوم ارزانی شد. این قوم به جای شکرگزاری از نعمت‌های الهی و ذکر و یاد نام او، دچار پیمان‌شکنی، تکبر، شرک و انحرافات فراوان دیگری شد. شیطان نقش مهمی در انحرافات این قوم داشت. هدف این پژوهش بررسی نقش شیطان در انحرافات این قوم از دیدگاه قرآن و روایات است. برای این کار، آیات و احادیث مربوط به روش‌های شیطان برای انحراف بندگان استخراج و تعدادی از آن‌ها گزینش شده است. سپس تعدادی از انحرافات عمده قوم یهود (بنی اسرائیل) نیز بر اساس آیات قرآن معرفی شده است. در نهایت روش‌های انحراف بندگان توسط شیطان با انحرافات قوم یهود تطبیق داده شده است. نتیجه به دست آمده از این تطبیق، دقیقاً نقش شیطان در انحرافات قوم یهود را تایید می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن، قوم یهود (بنی اسرائیل)، روایات، شیطان، انحراف.

#### مقدمه

برای رسیدن انسان به مقام قرب الهی، موانع مختلفی وجود دارد که بزرگ‌ترین آن‌ها شیطان و وسوسه‌های اوست. به تعبیر قرآن شیطان آشکارترین دشمن انسان (عدو مبین) است. مومن باید مواظب باشد که شیاطین از هر دری وارد قلب او می‌گردند و پیوسته به وسوسه او مشغول می‌شوند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۷۶). از این رو خداوند به انسان امر کرده تا به پروردگار مردم پناهنده شود (قل اعوذ برب الناس). شیطان با مرتبه و کمالات انسان ضدیت و مخالفت دارد. به همین دلیل خداوند به انسان متذکر می‌شود تا از فتنه‌ها و وسوسه‌های او برحذر باشد و راه بر حذر بودن از این فتنه و وسوسه را یاد خدا و تقوای الهی می‌داند، زیرا پیروزی شیطان در وسوسه و گمراه ساختن بشر ناشی از بی‌تقوایی، غفلت از یاد خدا، ضعف تصمیم و سستی ایمان است و گرنه دفعش سهل و راندنش آسان است (شریعتی، ۱۳۵۳: ۴۳۱).

شیطان به عنوان دشمن قسم‌خورده انسان، گفته که سر راه همه بندگان کمین می‌کند و آن‌ها را اغوا و گمراه می‌کند. بر اساس آیات قرآن کریم علت این دشمنی، رانده شدن او از درگاه الهی است.

شیطان برای اغوا و گمراهی انسان‌ها از راه و روش‌های مختلف همچون وسوسه، ناسپاسی، وعده‌های دروغین، ایجاد فراموشی، زینت دادن امور زشت در نظر مردم و شرکت در اموال و اولاد آن‌ها استفاده می‌کند. شیطان برای منحرف کردن انسان‌ها دارای اعوان و انصار و لشکریان سواره و پیاده است که بسیاری از اقدامات خود را به وسیله آن‌ها انجام می‌دهد.

# دومین کنفرانس بین المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۴

یکی از اقوامی که تحت تأثیر شیطان دچار انحرافات فراوان شد، قوم یهود (بنی اسرائیل) است. این قوم بسیار مورد توجه خداوند متعال بوده و آیات فراوانی در قرآن کریم به آن اختصاص یافته است. در این نوشتار ابتدا به معرفی شیطان و قوم یهود پرداخته خواهد شد و سپس نقش شیطان در انحراف یهود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۱- شیطان شناسی

وقتی خداوند، آدم را آفرید به ملائکه فرمود به آدم سجده کنند. همگی این فرمان را به جان و دل پذیرفتند و برای آدم سجده کردند مگر ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود. وقتی خداوند ابلیس را به خاطر سرکشی و طغیان‌گری مواخذه کرد که چه چیز سبب شده که در برابر آدم سجده نکنی و فرمان مرا نادیده بگیری؟ پاسخ داد من از او بهترم، به دلیل این که مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک و گل. قرآن می‌فرماید: "وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ. قَالَ مَا مَنَعَكَ آلَا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ" (اعراف: ۱۲-۱۱).

### ۱-۱ تکبر شیطان

از آن‌جا که امتناع شیطان از سجده کردن برای آدم (ع) یک امتناع ساده و معمولی نبود. بلکه یک سرکشی و تمرد آمیخته به اعتراض و انکار مقام پروردگار بود، می‌بایست تمام مقام و موقعیت‌های خویش را از درگاه الهی از دست بدهد. به همین سبب خداوند او را از آن مقام برجسته و موقعیتی که در صفوف فرشتگان پیدا کرده بود، بیرون راند و به او فرمود: "از این مقام و مرتبه فرود آی."

قرآن سرچشمه این سقوط و تنزل را این‌طور بیان می‌کند که "تو حق نداری در این مقام و مرتبه، راه تکبر، پیش‌گیری" و باز با تأکید بیشتر اضافه می‌فرماید: "بیرون رو که از افراد پست و ذلیل هستی." قرآن می‌فرماید: "قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ" (اعراف: ۱۳). از این آیه به خوبی روشن می‌شود که تمام بدبختی شیطان، مولود تکبر او بود.

### ۱-۲ لجاجت شیطان

وقتی شیطان خود را مطرود درگاه خداوند دید، طغیان و لجاجت را بیشتر کرد و به جای توبه و بازگشت، از خدا خواست تا او را تا پایان دنیا مهلت دهد. خدا نیز تقاضای او را پذیرفت. قرآن می‌فرماید: "قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ" (اعراف: ۱۵-۱۴). البته خداوند تا وقت مشخصی به او مهلت داد و فرمود: "إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ" (حجر: ۳۸).

### ۱-۳ وسوسه شیطان

شیطان که به خاطر سجده نکردن، رانده شده درگاه خدا بود، تصمیم قاطع داشت تا آن‌جا که می‌تواند از آدم و فرزندانش انتقام بگیرد و در فریب آنان بکوشد. لذا در صدد وسوسه حضرت آدم و حوا برآمد و انواع دام‌ها را بر سر راه آنان گستراند و از طریق وسوسه آن‌ها موفق شد فرمان خدا را در نظر آنان به گونه دیگر جلوه دهد. آنان نیز از آن چیزی که ممنوع شده بودند خوردند و به محض چشیدن از میوه درخت ممنوع، عاقبت شومی سراغ آن‌ها آمد و در حقیقت از لباس بهشتی که لباس کرامت و احترام خدا بود،

# دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۴

برهنه شدند. سرانجام هنگامی که آدم و حوا به نقشه شیطانی ابلیس واقف شدند و نتیجه کار خود را دیدند، به فکر جبران افتادند و گفتند: پروردگارا ما بر خویشتن ستم کردیم (اعراف: ۲۳-۲۰).

### ۱-۴ هشدار به بنی آدم

این جاست که خداوند به همه فرزندان آدم اخطار می‌دهد و یک سلسله دستورات و برنامه‌های سازنده برای همه فرزندان آدم بیان می‌کند که بعضی از آنها عبارتند از:

۱- داشتن لباس پرهیزکاری و تقوی. قرآن می‌فرماید: "یا بنی آدم قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ" (اعراف: ۲۶).

۲- هشدار به مراقبت از فریب‌کاری شیطان. قرآن می‌فرماید: "یا بنی آدم لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ" (اعراف: ۲۷) (مکارم- شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۶: ۱۳۷-۹۸).

### ۱-۵ انانیت شیطان

وقتی خداوند از شیطان پرسید چه چیز مانع تو شد که وقتی به تو فرمان دادم سجده نکردی؟ گفت: من از او به‌ترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل خلق کرده‌ای (اعراف: ۱۲). در این جواب خدای تعالی برای اولین بار معصیت شد. (طباطبایی، ۱۳۸۶، جلد ۸: ۲۸). تکبر شیطان از آیه شریفه "وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ ۖ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ" (بقره: ۳۴) به خوبی معلوم می‌شود. زیرا وقتی خداوند متعال به ملائکه گفت برای آدم سجده کنند، همه سجده کردند مگر ابلیس که از این کار امتناع کرد و تکبر ورزید.

### ۱-۶ شیطان مبدأ شر و اغوا

ابلیس مبدأ شر و اغوا و وسوسه‌هایی هست که در جهت کمال و مصلحت و عاقبت‌اندیشی است. باید مراقب اغواء و وسوسه‌های او بود و روح و عقل را از کیدها و فریب‌های او آزاد ساخت. این مبدا است که حق را باطل و باطل را حق و شر را خیر و خیر را شر می‌نمایاند. از آن‌چه نباید ترسید می‌ترساند و از آن‌چه باید ترسید، به آن جرأت می‌دهد. وعده‌های فریب‌دهنده می‌دهد و سراب را واقع می‌نمایاند و در برابر حق و مصلحت و بینش، پرده‌ای از وعده‌های فریبنده پیش می‌آورد و ماوراء آن را می‌پوشاند (طالقانی، ۱۳۴۲، جلد ۱: ۱۲۳).

### ۱-۷ لغزش آدم توسط شیطان

اما وقتی که خداوند به آدم گفت تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمت‌های گوارا هر چه می‌خواهید بخورید، اما نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد، آدم خود را در برابر فرمان الهی درباره خودداری از درخت ممنوع دید. ولی شیطان اغواگر که سوگند یاد کرده بود که دست از گمراه کردن آدم و فرزندانش برندارد به وسوسه‌گری مشغول شد و سرانجام شیطان آن دو را به لغزش واداشت و از آن‌چه در آن بودند (بهشت) بیرون کرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۱: ۱۸۵).

# دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۳

### ۸-۱ عهدشکنی و فراموشی آدم توسط شیطان

قرآن در می‌فرماید: "وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى. فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْفَى" (طه: ۱۱۷-۱۱۵): "ما از آدم از قبل پیمان گرفته بودیم، اما او فراموش کرد، عزم استواری برای او نیافتیم. آن هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، همگی سجده کردند جز ابلیس که سجده نکرد. گفتیم: ای آدم! این دشمن تو و دشمن همسر توست. مبدا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد."

در ادامه قرآن می‌فرماید: "فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى" (طه: ۱۲۰): "ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت ای آدم! ایا می‌خواهی تو را به درخت عمر جاویدان و ملک فناپذیر راهنمایی کنم. سرانجام آن‌چه نمی‌بایست بشود، شد. آدم و حوا هر دو از درخت ممنوع خوردند و به دنبال آن لباس‌های بهشتی از اندامشان فرو ریخت و اعضایشان آشکار شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۱۳: ۳۲۲-۳۱۷).

### ۹-۱ سوگند شیطان

وقتی شیطان در برابر امر خدا استکبار ورزید و به انسان سجده نکرد، خداوند او را مطرود و لعنت کرد. شیطان از خدا مهلت خواست که خداوند هم تا زمان معینی به او مهلت داد. وقتی خداوند به او مهلت داد، مکنون خاطر خود را آشکار ساخت و هدف نهایی خود را از مهلت خواستن نشان داد. قرآن می‌فرماید: "قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ" (ص: ۸۳-۸۲): "گفت به عزت سوگند که همه آن‌ها را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان مخلص تو از میان آن‌ها."

### ۱۰-۱ تبعیت اکثریت انسان‌ها از شیطان

اتفاقاً این حدس و گمان ابلیس درست از آب درآمد و هرکس به نحوی در دام او گرفتار شد و جز "مخلصین" از آن نجات نیافتند. همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: "وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ" (سبأ: ۲۰): "گمان ابلیس درباره آن‌ها به واقعیت پیوست و جز گروهی از مومنان همه از او پیروی کردند." خداوند نیز جهنم را وعده‌گاه شیطان و پیروان او دانست و فرمود: "لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ" (ص: ۸۵): "که جهنم را از تو و پیروانت همگی پر خواهم کرد." این آیه نشان می‌دهد که کسی نمی‌تواند کمترین شک و تردیدی داشته باشد که برای شیطان و پیروانش راه نجاتی نیست و ادامه خط آن‌ها به دارلبوار منتهی می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، جلد ۱۹: ۳۵۰-۳۳۷).

### ۲ قوم یهود (بنی اسرائیل)

تقریباً ۱۸۰۵ سال قبل از میلاد، حضرت ابراهیم خلیل (ع) از شهر اور عراق مرکز کلدانی‌ها، به ارض کنعان (فلسطین) مهاجرت فرمود. در همین جا حضرت اسحاق متولد شد و از اسحاق حضرت یعقوب به دنیا آمد و به اسم اسرائیل نامیده شد و یهود را به جهت انتساب به حضرت یعقوب، بنی اسرائیل می‌نامند.

پس از آن حضرت یوسف(ع) فرزند یعقوب، در حوادثی که پیش آمد در مصر به غلامی به فروش رفت و رفته رفته در آن جا به ریاست رسید. بعد از شیوع قحطی شدیدی در فلسطین، حضرت یعقوب و سایر فرزندان به مصر رفتند و نزد یوسف(ع) ماندند و کم‌کم جمعیت خاندان اسرائیل خیلی زیاد شدند (زعیترا، ۱۳۶۲: ۵۶).

#### ۲-۱ سرگذشت قوم یهود بعد از یوسف(ع)

پادشاهان یا فراعنه مصر که بعد از یوسف(ع) روی کار آمده و به سلطت رسیدند از کثرت فرزندان اسرائیل و ازدیاد آنان در آن سرزمین به وحشت افتادند و به گفته تورات ترسیدند که اینان با دشمنان مملکت مصر همدست شده و علیه آنان قیام کنند و حکومت را از آن‌ها بگیرند. از این رو به آزار و قتل و پراکنده کردن آنها اقدام نموده و انواع اهانت و تمسخر و اذیت را نسبت به آنان روا می‌داشتند (رسولی محلاتی، ۱۳۷۹: ۴۳۸).

فرعون و فرعونیان سال‌ها در مصر حکومت می‌کردند و بر قبطیان و بنی اسرائیل فرمان می‌راندند و به ظلم و فساد ادامه می‌دادند و بت‌ها به صورت خود می‌ساختند و مردم را به پرستش آن‌ها در عوض خدا وامی‌داشتند. بنی اسرائیل روزگاری دراز به ظلم و بیداد و شکنجه استبداد ایشان گرفتار و به بیگاری ناچار بودند. کم‌کم چراغ امیدواری بنی اسرائیل فرو مرد، تا به صورت کالا و اثاث فرسوده‌ای درآمدند. فرعون و درباریان در پیروی از شهوات، پافشاری کردند و از نور ایمان روی برتافتند و از راه هدایت و صراط مستقیم حق منحرف گشتند (بلاغی، ۱۳۶۸: ۱۳۱).

#### ۲-۲ رسالت موسی(ع) و نجات بنی اسرائیل

بنی اسرائیل شبی به سختی نزد عالم و دانشمند خود رفتند و به او گفتند، ما همیشه دل به احادیث بسته دادیم که موسی بن عمران می‌آید و ما را از این مظلومیت و محرومیت می‌رهاند. پس ظهور موسی در چه وقت است و ما تا کی بسوزیم و بسازیم؟ آن دانشمند گفت: آمدن و ظهور موسی حتمی است و شما دست از این عقیده بردارید و انتظار فرج داشته باشید تا خداوند موسی بن عمران را ظاهر فرماید (قاضی زاهدی، ۱۳۶۲: ۳۸۱).

خدای تعالی موسی را فرمان داد تا به استظهار آیات و پشت‌گرمی به معجزات الهی به سوی آن قوم رهسپار گردد و ایشان را از تیرگی‌های ظلم و جهل و کفر، به فضای روشن عدل و علم و ایمان رهبری کند و پرچم حق را در سراسر خطه نیل به اهتزاز درآورد (بلاغی، ۱۳۶۸: ۱۳۲).

#### ۲-۳ خروج از مصر مأموریت موسی(ع)

زمان نجات بنی اسرائیل از ظلم و تعدی فرعونیان فرا رسید و موسی(ع) مأمور شد بنی اسرائیل را با خود برداشته و به سوی فلسطین رهسپار شود. حضرت موسی(ع) از سوی خدا مأموریت یافت تا با استفاده از تاریکی شب بنی اسرائیل را از مصر خارج کند و آن‌ها را با عبور دادن از دریا نجات دهد. "وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَىٰ" (طه: ۷۷): "ما به موسی وحی فرستادیم که بندگانم را شبانه (از مصر) با خود ببر، و برای آن‌ها راهی خشک در دریا بگشا که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا". بنی اسرائیل به رهبری موسی(ع) در حدود ۱۲۹۰ سال قبل از میلاد از مصر بیرون رفتند (زعیترا، ۱۳۶۲: ۵۷).

# دومین کنفرانس بین المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۳

### ۲-۴ مواعده خدا با موسی

موسی و همراهانش پس از خلاصی از مصر و اسارت آل فرعون، زندگانی اجتماعی نوینی آغاز کردند و از این رو برای تعیین حدود روابط اجتماعی و فصل مخاطمات و دستور عبادات، محتاج به قانون و آئینی بودن که بر طبق آن رفتار کنند. موسی از پروردگارش خواهش کرد، تا کتابی به او عطا کند که در پرتو آن هدایت جویند و به احکام آن عمل کنند و به این وسیله زندگی آن‌ها دستخوش هرج و مرج نگردد.

خدا موسی را فرمان داد تا مدت سی روز بدن را پاک و پاکیزه سازد، و به طور سینا رود، و فرمان خدا را در کتابی که مدار احکام بنی اسرائیل باشد دریافت کند. چون موسی به طور رسید از جانب خدا ده شب دیگر بر آن سی شب افزوده شد (بلاغی، ۱۳۶۸: ۱۴۸).

### ۲-۵ انحراف و پیمان شکنی بنی اسرائیل

در مسیر حرکت به سوی کنعان، حوادث بسیاری برای این قوم رخ داد. گوساله پرستی، گمراهی، درخواست‌های نامعقول و بهانه‌های واهی این قوم باعث نافرمانی آن‌ها و نادیده گرفتن نعمت‌های الهی شد که جریان آن در قرآن کریم به طور مفصل بیان شده است.

پس از خروج از مصر، بنی اسرائیل به میثاق خود عمل نکردند. از جمله این که با خدا پیمان بستند که نسبت به آنچه موسی می‌گوید مطیع محض باشند، ولی در برابر موسی جبهه‌گیری نموده، به طور صریح دعوتش را رد کردند و خدای تعالی در کیفر این گناهانشان، به عذاب تیه و سرگردانی که خود عذابی از ناحیه خدا بود گرفتار نمود (طباطبایی، ۱۳۸۶، جلد ۵: ۴۶۵).

### ۳-۱ انحرافات قوم یهود

قوم یهود تحت تاثیر وسوسه های شیطان، از صراط مستقیم منحرف شد. که در زیر به مواردی از آن اشاره می شود:

### ۳-۱-۱ پیمان شکنی

خداوند متعال از بنی اسرائیل پیمان گرفته بود به شرط آن که نماز را به پا دارند، زکات خود را بپردازند و به پیامبران خدا ایمان بیاورند، گناهان گذشته آن‌ها را ببخشد و آن‌ها را در باغ‌های بهشت که از زیر درختان آن، نهرها جاری است، داخل کند. اما بنی اسرائیل پیمان خود را نقض کردند. خداوند هم به خاطر پیمان شکنی، آنان را از رحمت خویش دور ساخت و دل‌های آنان را به قساوت مبتلا کرد (مائده: ۱۳-۱۲).

### ۳-۱-۱ نقش شیطان در پیمان شکنی قوم یهود

در حالی که خداوند از آدم پیمان گرفته بود که با همسرش در بهشت آرام گیرند و از هر جا خواستند بخورند به جز یک درخت، ولی شیطان ایشان را وسوسه کرد "وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ... وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ... فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ" (اعراف، ۱۹-۲۰). خداوند به آدم گفت: ای آدم بیارام تو و جفتت در بهشت و بخورید از آن به فراوانی و نزدیک این درخت نشوید، ولی شیطان هر دور را بلغزانید "وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ... وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ... فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ" (بقره: ۳۶-۳۵).

# دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۴

خداوند می‌فرماید: "و ما قبلنا با آدم عهدی بسته بودیم و فرمانی داده بودیم که فریب شیطان را نخورد، ولی او فراموش کرد و شیطان او را وسوسه کرد." وَلَقَدْ عٰهَدْنَا اِلٰى اٰدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ... فَوَسَّوَسَ اِلَيْهِ الشَّيْطٰنُ": (طه: ۱۲۰-۱۱۵).  
از آیات فوق به خوبی می‌توان نقش شیطان را در پیمان‌شکنی آدم فهمید. شیطان توانست از طریق وسوسه انسان را فریب دهد و او را پیمان‌شکن کند و باعث اخراج او از بهشت شود.

### ۲-۳ کفران نعمت

خداوند متعال نعمت‌های فراوانی به قوم یهود ارزانی داشت. این قوم به جای سپاسگزاری و شکر این نعمت‌ها، کفران نعمت و ناسپاسی کردند. قرآن می‌فرماید: "وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُصِبرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعِ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا" (بقره: ۶۱): "نیز به خاطر آورید زمانی را که گفتید: ای موسی، هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم، از خدای خود بخواه که از آنچه از زمین می‌رویند، از سبزیجات، خیار، سیر، عدس و پیازش برای ما فراهم سازد...". این آیه چگونگی کفران و ناسپاسی قوم بنی‌اسرائیل در برابر نعمت‌های خدا را منعکس می‌کند و نشان می‌دهد که آنان چگونه مردم لجوجی بوده‌اند که شاید در تمام تاریخ دیده نشده است. افرادی این همه مورد لطف خدا قرار گیرند ولی در مقابل تا این حد ناسپاسی و عصبان کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۱: ۲۷۷).

بنی‌اسرائیل به جای شکرگزاری از نعمت‌های "من و سلوی" به فکر زیاده‌خواهی و تنوع طلبی افتاده و از غذاهای زمینی خواستند. تنوع طلبی و افزون خواهی، دامی برای اسیر شدن انسان‌هاست (قرائتی، ۱۳۸۲، جلد ۱: ۱۲۵).  
و نقل شده است از کعب‌الاحبار که گفت در تورات نوشته شده است: یا موسی به بنی‌اسرائیل بگو: نعمت آن‌ها را مغرور نگرداند که از دستشان گرفته می‌شود و از شکر غفلت نکنند که ذلت آن‌ها را در برمی‌گیرد. و در خواندن من اصرار کنند تا رحمت شاملشان شود و عاقبت مبارکشان گردد (حرعاملی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

### ۱-۲-۳ نقش شیطان در کفران نعمت قوم یهود

یکی از کارهای شیطان برای گمراهی انسان، جلوگیری از سپاسگزاری او در برابر نعمت‌های خداوند است. قرآن می‌فرماید: "قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْنِي لَأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ . ثُمَّ لَأَأْتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَكَلَّا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شٰكِرِينَ" (اعراف: ۱۷-۱۶). شیطان گفت: چون مرا گمراه کردی من نیز بندگان را از راه راست گمراه می‌گردانم. آن‌گاه از جلو رو و از پشت سر و از طرف راست و چپ به آنان می‌تازم و بیشترشان را سپاسگزار نخواهی یافت. از طرف دیگر شیطان به عزت خدا سوگند یاد کرده که تمام انسان‌ها را گمراه می‌کند. قرآن می‌فرماید: "قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ" (ص: ۸۲).

این آیات تأییدی بر این مطلب است که شیطان تصمیم به منحرف کردن همه انسان‌ها دارد و تصمیم خود را در مورد بنی‌اسرائیل عملی کرد و آن‌ها را ناسپاس نمود و به انحراف کشاند.

### ۳-۳ شرک (گوساله پرستی)

گرایش به مادیات و حب دنیا در طول اعصار متمدنی بر بنی‌اسرائیل غالب آمد، لذا در مسائل مادی به طغیان‌گری پرداختند و طلا و نقره را تقدیس کردند.

# دومین کنفرانس بین المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۴

گوساله ای را از طلا ساختند و به پرستش آن پرداختند. آن هم به انگیزه علاقه مفرط آنان به مادیات و طلا و هم به دلیل رفتارهای انحرافی که داشتند. قرآن می‌فرماید: "وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلْقِهِمْ عِجْلًا جِثًا لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ" (اعراف: ۱۴۸). و قوم موسی پس از رفتن وی از زیورهای خویش گوساله‌ای، پیکری که صدای گوساله داشت بساختند، مگر نمی‌دیدند که پیکر با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به راهی هدایتشان نمی‌کند؟ آن را خدا گرفتند و ستم‌کاران بودند."

قوم بنی اسرائیل چه با شتاب و سرعت به انحراف افتادند و اصول ایمان و توحید را نادیده گرفتند. زیرا همین که موسی (ع) آنان را برای میقات با پروردگار چهل روز ترک و از میان آن‌ها غایب شد، بلافاصله به خدای متعال شرک ورزیدند و چیزی نمانده بود که هارون برادر موسی (ع) را نیز به قتل برسانند (آغا، ۱۳۸۹: ۱۳۳). این که خدا قوم یهود را برگزیده، تنها یک رسالت روحانی و آزمایشی است، از این که آیا این قوم به مسئولیت و فداکاری ای که خدا خواسته است آگاهی دارد یا نه؟ وفاداری به پروردگار که از این رسالت برمی‌خیزد در این است که قوم یهود هر روز در کار بست اوامر پروردگار کوشا باشد (میشل مالرب، ۱۳۹۲: ۵۱).

### ۳-۱- گوساله وسیله آزمایش قوم بنی اسرائیل

از آیه شریفه "قَالَ فَإِنَّا فَلْنَا فِتْنًا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ" (طه: ۸۵): "ما قوم تو را بعد از تو آزمایش کردیم ولی از عهده امتحان خوب بیرون نیامدند و سامری آن‌ها را گمراه کرد." معلوم می‌شود که خداوند متعال گوساله را وسیله آزمایش این قوم قرار داد تا میزان پایبندی و وفاداری آنان به عهد خود مشخص شود، ولی از عهده آزمایش خوب بیرون نیامدند. و نقل شده است از محمد پسر سنان از عبدالله پسر مسکان، و اسحاق پسر عمار و همگی نقل نموده‌اند از عبدالله پسر ولید و صافی، از ابوجعفر (ع) که فرمود: در آنچه که موسی با خدا مناجات نمود، آمده تا آن‌جا که گفت: ای خدای من! آیا این سامری بود که گوساله‌ای ساخت که صدا می‌داد؟ پس خداوند برایش وحی فرمود: آن فتنه و آزمایشی از آزمایش‌های من بود از آن تفحص مکن! (حرعاملی، ۱۳۸۴: ۱۴۴).

### ۳-۲- نقش شیطان در شرک قوم یهود

هدف شیطان از مهلت خواستن از خداوند متعال گمراه کردن انسان‌ها بود، زیرا شیطان گفت: پروردگارا! به خاطر این که گمراه ساختی، من نعمت‌های مادی روی زمین را در نظر آن‌ها زینت می‌دهم، انسان‌ها را به آن مشغول می‌کنم و سرانجام همه را گمراه خواهم ساخت. "قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ" (حجر: ۳۹). شیطان در جای دیگر به خداوند متعال گفته بود: "این کسی را که بر من ترجیح داده‌ای اگر تا روز قیامت مرا زنده بگذاری همه فرزندان را جز عده کمی گمراه و ریشه‌کن خواهم کرد." "قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَبِنَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا" (اسراء: ۶۲).

بدیهی است که شیطان باستناد این آیه قصد دارد همه فرزندان آدم را (به جز قلیلی از آنها که همان مخلصین هستند) گمراه کند. برای گمراه کردن انسان هم از ابزار مختلف و هم از اعوان و انصار خود استفاده می‌کند. در این مورد شیطان از طلا و نقره آنان به عنوان ابزار و از سامری به عنوان اعوان و انصار استفاده کرد و آنان را به انحراف یعنی شرک کشاند.



# دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۴

### ۳-۴ تکبر، غرور و فخر فروشی بر همه انسان‌ها

یکی از انحرافات قوم یهود در طول تاریخ تکبر، غرور، خودبزرگ‌بینی و نژادپرستی آن‌ها است. آنان خود را به عنوان قله بشریت و سرآمد کل انسان‌ها می‌دانند و از این رو به ملت‌ها و امت‌های غیر یهود، با نگاه تحقیر و توهین نگاه می‌کنند. البته قرآن ادعای یهودیان را در مورد برتری داشتن به بقیه بشر، باطل اعلام می‌کند و می‌فرماید: "قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ" (جمعه: ۶). "بگو ای یهود اگر می‌پندارید که جدای از مردم، شما از دوستان خدا و جزء اولیاءالله هستید، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید."

### ۳-۴-۱ نقش شیطان در تکبر، غرور و فخر فروشی قوم یهود

وقتی خداوند متعال از شیطان پرسید چرا به آدم سجده نکردی و با سجده‌کنان نبود؟ گفت من سجده نکنم آن کس را که تو از گل آفریدی و مرا از آتش و آتش بهتر از گل. "قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ . قَالَ لَمْ أَكُن لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّن حَمَإٍ مَّسْنُونٍ" (حجر: ۳۳-۳۲). از جمله "مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ" استفاده می‌شود که ابلیس با امتناعش از سجده از جمع ملائکه بیرون شد و اظهار دشمنی با نوع بشر نموده و از ایشان بیزاری جست و اعلام نمود تا بشری وجود دارد از دشمنی با او برای ابد دست برنمی‌دارد (طباطبایی، ۱۳۸۶، جلد ۱۲: ۲۳۳).

شیطان گفت همه را گمراه خواهم ساخت "وَأَعْوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ" (حجر: ۳۹). قوم یهود نیز که زمینه‌های مساعد جهت اغوا داشتند مورد القای شیطان قرار گرفته و دست به تکبر و غرور و خودپسندی زدند.

### ۳-۵ قساوت و سنگدلی، لجاجت و بهانه‌جویی

یکی دیگر از انحرافات قوم بنی‌اسرائیل قساوت پیدا کردن عقل و وجدان آن‌ها است که تأثیرپذیری و حالت انفعال را از دست داده است، لذا دیگر هیچ حکمت، موعظه و عبرت یا پند و اندرزها به درون سويدای قلب آن‌ها وارد نمی‌شود و اثر نمی‌کند و آن را به انفعال در نمی‌آورد. از این رو یهودیان بنی‌اسرائیل از آن والایی روح انسان، به مرتبه جمادات سفت و سخت چون سنگ، بلکه از آن بدتر هم تنزل پیدا کردند (طباره، ۱۹۵۵م: ۹۳).

قرآن می‌فرماید: "فَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِن مِّنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ" (بقره: ۷۴). از پس این جریان دل‌هایت‌ان سخت شد چون سنگ یا سخت‌تر بود (که بعضی سنگ‌ها جوی‌ها از آن بشکافند و بعضی دوباره شود و آب از آن بیرون آید و بعضی از آن‌ها از ترس خدا فرود افتد و خدا از آن‌چه می‌کنید غافل نیست". این آیه به مساله قساوت و سنگدلی بنی‌اسرائیل پرداخته و می‌گوید: بعد از این ماجراها و دیدن این گونه آیات و معجزات و عدم تسلیم در برابر آن‌ها، دل‌های شما سخت شد، هم‌چون سنگ یا سخت‌تر. اما دل‌های شما از این سنگ‌ها نیز سخت‌تر شده است، نه چشمه عواطف و علمی از آن می‌جوشد و نه قطرات محبتی از آن تراوش می‌کند و نه هرگز از خوف آن می‌تپد (بیستونی، ۱۳۸۱، جلد ۱: ۲۲۹).

#### ۳-۵-۱ نقش شیطان در ایجاد قساوت قلب و سنگدلی در قوم بنی‌اسرائیل

گناهان زیاد و لجاجت در شرک بهترین زمینه برای نفوذ شیطان است. قوم بنی‌اسرائیل هم که در تمام این موارد سرآمد شده بودند و با اعمال خود این زمینه نفوذ را فراهم کردند به انحراف کشیده شدند. قرآن کریم می‌فرماید: "فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَكَانَ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" (انعام: ۴۳): "چرا آن‌ها هنگامی که مجازات ما به آن‌ها رسید، تسلیم نشدند، ولی دل‌های آن‌ها قساوت پیدا کرد و شیطان هر کاری را که می‌کردند در نظرشان زینت داد." امام صادق (ع) فرمود: امیر المومنین (ع) فرموده: مردم را دو خاطره است. خاطره از شیطان و خاطره از فرشته. خاطره فرشته: رقت (نرمی دل) و فهم است و خاطره شیطان: فراموشی و سخت‌دلی است، چون خاطره شیطان انداختن وسوسه‌ها و شک و میل به شهوات در دل است و نتیجه آن فراموش کردن حق و غفلت از خدا و سنگ‌دلی است (کلینی، بی‌تا، جلد ۴: ۲۳).

#### ۳-۶-۱ استکبار، نافرمانی و سرکشی

هر وقت قوانین و دستورات خداوند متعال و پیام‌های فرستادگان او با تقاضاهای نفسانی قوم یهود تطابق نداشته است، این قوم از پذیرش آن‌ها امتناع کرده و سرکشی و نافرمانی کرده‌اند. این قوم فقط برای دستوراتی ارزش قایل بودند که از نظر دنیوی به نفعشان باشد.

قرآن می‌فرماید: "وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ" (بقره: ۸۳): "و به یاد آورید زمانی را که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید، و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید. به مردم نیک بگویید نماز را به پا دارید و زکات بدهید، سپس با این که پیمان بسته بودید، همه شما جز عده کمی سرپیچی کردند و از وفای به پیمان خود روی گردان شدید."

#### ۳-۶-۱ نقش شیطان در استکبار، قوم یهود به عنوان یک انحراف بزرگ

تلاش شیطان این است که ضلالتی که در نفس خویش وجود دارد را به بنی نوع بشر انتقال داده و در آن‌ها تصرف کرده و آنان را گمراه کند. در این ارتباط صاحب‌المیزان می‌نویسد: گرچه ابلیس در کلام خود طریقه گمراه کردن ابنای بشر را ذکر نکرده ولیکن در کلامش اشاره به دو حقیقت هست، و آن دو حقیقت یک این است که به سبب اضلالش هم ضلالتی است که در نفس خود او جایگزین شده و مانند آتش که به هر چیز برخورد کند از حرارت خود در آن اثر می‌گذارد، او نیز هر کسی را بخواهد گمراه کند با او تماس حاصل می‌کند و به همین وسیله از گمراهی خود چیزی در نفس او باقی می‌گذارد. دیگر این که آن چیزی که ابلیس خود را به آن تماس می‌دهد شعور انسانی و تفکر حیوانی اوست که مربوط به تصور اشیاء و تصدیق به سزاوار و غیر سزاوار آن‌هاست (طباطبایی، ۱۳۸۶، جلد ۸: ۳۸).

شرط دوم آثار این ایمان در عمل آن‌ها به صورت انجام کار نیک منعکس گردد. آن‌ها نیکوکارند، نسبت به همگان و در تمام برنامه‌ها (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۱: ۴۰۳).

در این ارتباط سوالی مطرح می‌شود که انحصارطلبی این قوم مولود چیست؟ پاسخ واضح است، تکبر و خودپسندی آن‌ها، استکبار و نافرمانی در برابر دستورات الهی گزینشی برخورد کردن با احکام الهی و ایجاد فساد در زمین، فخرفروشی، خود برتری‌نوی و

# دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۳

نژاد پرستی آن‌ها باعث این انحصارطلبی شد که همگی از ویژگی‌های شیطان بود و این قوم نیز تحت تأثیر وسوسه‌های شیطانی دچار این همه انحراف شدند که بحث آن گذشت. حضرت علی(ع) در خطبه ۱۹۲ می‌فرماید: "تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهید و تکبر و خودپسندی را زیر پا بگذارید و حلقه‌های زنجیر خود بزرگ‌بینی را از گردن باز کنید. تواضع و فروتنی را سنگر میان خود و شیطان و لشکریانش قرار دهید، زیرا شیطان از هر گروهی لشکریان و یارانی سواره و پیاده دارد (دشتی، ۱۳۸۱: ۳۸۵).

غرور دینی باعث شد تا یهود و نصاری خود را نژاد برتر و بهشت را در انحصار خود بدانند و امتیازطلبی و خودبرتر بینی آن‌ها آرزویی خام و خیال‌واهی است زیرا ادعای آن‌ها بدون دلیل است (قرائتی، ۱۳۸۲: ۱۸۲). باز معلوم می‌شود که غرور آن‌ها موجب انحصارطلبی این قوم شد که غرور، امری شیطانی است.

### نتیجه‌گیری

بی تردید شیطان با وسوسه‌گری خود، مبدأ ایجاد شرّ و اغوای بشر، در جهت عدم رسیدن به کمال و مصلحت و عاقبت‌اندیشی است. از این رو است که حق را باطل و باطل را حق و شر را خیر و خیر را شرمی‌نمایاند. شیطان با مرتبه و کمالات انسان ضدیت و مخالفت دارد و او را هدف قرار داده و قصد اغوا و گمراه کردن بنی نوع بشر را دارد. علت آن تکبر، استکبار، نافرمانی، کفر و فسق شیطان است. به همین دلیل سوگند یاد کرده که همه انسان‌ها (به جز مخلصین) را اغوا می‌کند و از هر سو به آن‌ها می‌تازد. خداوند متعال به انسان هشدار داده و متذکر می‌شود که از فتنه‌ها و وسوسه‌های شیطان بر حذر باشد و برای نیل به مقام اشرف مخلوقات، با بر تن کردن لباس تقوی و مراقبت از نفس در برابر فریب‌کاری شیطان خود را از این دشمن قسم خورده محافظت نماید. در این میان خداوند قوم یهود را با نعمت‌های فراوانی که به آنها ارزانی نمود، بر همه عالمیان فضیلت بخشید. خداوند از این قوم عهد و پیمان گرفت که به یاد خدا و نعمت‌های او بوده و به پیمان خود عمل کند. ولی شیطان بر اساس سوگند خود وارد عمل شد و این قوم را تحت تأثیر القائنات خود قرار داد. این قوم نیز با خداوند نقض پیمان کرده و دچار انحرافات فراوانی از جمله عهدشکنی، شرک، کفران نعمت، تکبر و استکبار و نافرمانی شد. خداوند متعال نیز به واسطه این انحرافات، افراد قوم یهود را دچار عذاب کرد و از رحمت خود دور ساخت. بنابر فرمایش حضرت امام علی(ع) سرنوشت قوم یهود (بنی اسرائیل) می‌تواند، الگو و عامل عبرت‌آموزی برای سایر اقوام و ملل باشد، چون حالات و رفتار اقوام و ملل مختلف یکسان است. بنا بر این در صورتی که افراد هر قومی از مسیر تقوای الهی و ذکر نام خدا و شکر نعمت‌هایش روی گردان شوند، شیطان قرین آن‌ها خواهد شد و در نتیجه از رحمت الهی دور خواهند ماند.

منابع

قرآن کریم

آغا ماهرا، ۱۳۸۹. هودیان فتنه‌گران تاریخ، ترجمه محمدرضا میرزا جان، تهران: انتشارات قدر ولایت.

بلاغی، ص، ۱۳۶۸. قصص قرآن، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

بیستونی، م، ۱۳۸۱. تفسیر جوان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

حر عاملی، م، ۱۳۸۴. کلیات احادیث قدسی، ترجمه کریم فیضی، قم: انتشارات قائم‌آل محمد(ص).

حسینی بحرانی، س ه، ۱۳۹۱. البرهان فی التفسیر القرآن، ترجمه محمد رحمتی شهرضا، قم: انتشارات تهذیب.

دشتی، م، ۱۳۸۱. نهج‌البلاغه، چاپ چهاردهم، قم: انتشارات مومنین.

# دومین کنفرانس بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی

## The Second International Congress of Religious Thought and Research

۲۷ آذر ۱۳۹۳

- رسولی محلاتی، س ۵، ۱۳۷۹. تاریخ انبیاء، چاپ چهاردهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- زعتیرا، ۱۳۶۲. سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار، ترجمه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم. شریعتی، م ت، ۱۳۵۳. تفسیر نوین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طباره، ع ع، ۱۹۹۵ ق. یهود از نظر قرآن، ترجمه علی منتظمی، تهران: انتشارات بعثت.
- طباطبایی، م ح، ۱۳۸۶. تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ بیست و سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طالقانی، س م، ۱۳۴۲. پرتوی از قرآن، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فاضلی بیارجمندی، س ا، ۱۳۸۸. اطلاعات قرآنی، قم: انتشارات میثم تمار.
- قاضی زاهدی گلپایگانی، ع، ۱۳۶۲. قصص یا داستانهای شگفت انگیز قرآن مجید، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- قزائتی، م، ۱۳۸۲. تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاظمی، ع، ۱۳۸۹. آیات وحیانی و پندار شیطانی، قم: دفتر نشر معارف.
- کلینی، م (بی‌تا)، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
- مکارم شیرازی، ن، ۱۳۸۰. تفسیر نمونه، چاپ نوزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میشل، م، ۱۳۹۲. انسان و ادیان، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی.